



تفسير انجيل متي
برای مشاوران مسيحي

The Christian Counselors Commentary
The Gospel of
Matthew

Jay E. Adams

نويسنده: جي آدامز
مترجم: شاهرخ صفوي
ويرايش: فرح صفوي

بیش نویسن مترجم

جی آدامز بنیان گذار مکتب مشاوره مسیحی بود، و ما شاگردان او، دنباله آنچه آغاز کرده را ادامه می دهیم. کتابی که در دست دارید، آنچه مربوط به کمک به متقاضی می باشد را از طریق تفسیر انجیل (متی) برایمان فراهم ساخته است.

امیدوارم کتابی که در دست دارید باعث برکت شما بشود و پادشاهی خدا همانگونه که وعده داده (ارمیا ۴۹) در دل همه فارسی زبانان جهان جای بگیرد. آمین

شاهرخ صفوی

فصل نهم

متی ۹

۱: پس عیسی سوار قایق شد و به آن سوی دریا،
به شهر خود رفت.

این فصل دنباله فصل قبلی است. مردم عیسی را از آنجا بیرون رانده بودند و جایی برای عیسی نداشتند. عیسی نیز قبول کرده "سوار قایق شد و به آن سوی دریا، به شهر خود رفت". شما را نمی دانم، ولی پیام مرا بیشتر رد کرده اند تا قبول. جای افسوس باقیست، ولی دلیل نمی شود که از کار دست بردارم. خاک پای خود را پاک می کنیم و به راه ادامه می دهیم. پیام است که باید کار کند، و با زور ما نیست. پیام بر دل می نشیند یا نمی نشیند. تمام. اگر پیام رد شود، آخر کار نیست، و شاید در آینده بر دل بنشیند. ولی ما که رد شدیم، به خود نمی گیریم، چون کار خدا با ما تمام نشده. روح القدس است که رابطه را برقرار می سازد. برایش دعا می کنیم و او را به دستهای خدا می سپاریم.

متی ۹

۲: آنگاه مردی مفلوج را که بر تشکی خوابیده بود، نزدش آوردند.
عیسی چون ایمان ایشان را دید،
به مفلوج گفت: «دل قوی دار،
فرزدم،
گناهانت آمرزیده شد!»

عیسی ایمان مفلوج و همراهانش را دید و گفت، "دل قوی دار". خود را در ناامیدی رها نکن. من دل تو را در دست گرفته ام. صبر کن، بر اساس ایمانت به تو داده خواهد شد. آمرزش گناهان کاریست که روح القدس در طول زندگی انسان انجام می رساند. هر یک نیز توبه خود را دارد تا از بند های گناه نجات را دریافت نماید. ولی ابتدا ایمان است که پایه و اساس را تشکیل می دهد. می گوید "دل قوی دار"، چون ممکن است توفان طول بکشد تا ساکت شود. توفان های زندگی همه ناگوارند، ولی خدا را شکر که قابلیت ما را می شناسد و جان ما را نجات می دهد (اول قرنتی ۱۰: ۱۳).

حال چرا به مفلوج می گوید، "گناهانت آمرزیده شد"؟ چون می خواهد نشان دهد که شفا از درون، با بیرون راندن گناه، همراه می باشد. بسیاری گوش می کردند و لمس می شدند و شفا می یافتند، ولی کسی نشنیده بود که شفا، با آمرزش گناهان آغاز می شود. طبیعت جلال یافته را خدا می سازد. میوه ها را خدا بار می آورد. در اینجا نیز شاهد شفای روحی و جسمی انسان می شویم. روح سالم باید وجود داشته باشد تا بر جسم تاثیر گذار باشد. روح القدس با حمایت و پشتیبانی ما، بر جسم فاسد ما نفوذ می کند و آنگونه که باید باشد (خواست خدا) را پرورش می دهد. مانند عیسی که خود پای در میان مردم گذاشت تا خواست خدا را بجای آورد. علیه ناسلامتی و مرگ می ایستد. پس باید بخاطر داشت، که روح القدس همیشه در اختیار کسی است که بخواهد خواست خدا را انجام رساند.

متی ۹

۳: در این هنگام، بعضی از علمای دین با خود گفتند:
«این مرد کفر می گوید».

۴: عیسی افکارشان را دریافت و گفت:

«چرا چنین اندیشه پلیدی به دل راه می دهید؟»

۵: گفتن کدام یک آسانتر است:

اینکه «گناهانت آمرزیده شد»

یا اینکه «بر خیز و راه برو»؟

۶: حال تا بدانید

که پسر انسان بر زمین اقتدار آمرزش گناهان را دارد»

به مفلوج گفت:

«برخیز، تشک خود بگیر و به خانه برو».

۷: آن مرد برخاست و به خانه رفت.

آیا اقتدار خدا را دیدید؟ اما بعضی می گویند «این مرد کفر می گوید»، چون شکاک و خود باورند. می ترسند، چون مذهب قافل گیرشان کرده چشم دلشان بسته، و محرومند (فعالاً). همه گونه بهانه را دارند تا به عیسی پشت کنند. دعای ما مسیحیان این دیوار های مستحکم دل را می شکند، تا نور خدا دل گم گشته را احیا کند. بله عیسی توانائی آمرزش گناهان را دارد، و روح القدس توانائی جبران خسارات وارده را نیز دارد. ما روزانه شاهد معجزات خدا می باشیم. زمانی ناگهان متوجه آن می شویم، و زمانی طول می کشد تا متوجه آن بشویم. ولی با ایمانی مانند این مفلوج، ما نیز از مسیح خواستیم، و دریافت کردیم. در یکایک موارد زندگی ما خدا نقش خود را دارد. در زندگی کودکی و نوجوانی، مجردی و زناشویی، شغلی و مالی، خدمت و پژوهش، میان سالگی و کهن سالگی، در همه خدا دخالت می کند. نه آنگونه که هستند، بلکه آنگونه که باید باشند، آن را از طریق کلامش پرورش می دهد، تا عیسی به او نیز بگوید، «برخیز، تشک خود را بگیر و به خانه برو». حالویا.

متی ۹

۸: چون مردم این واقعه را دیدند،

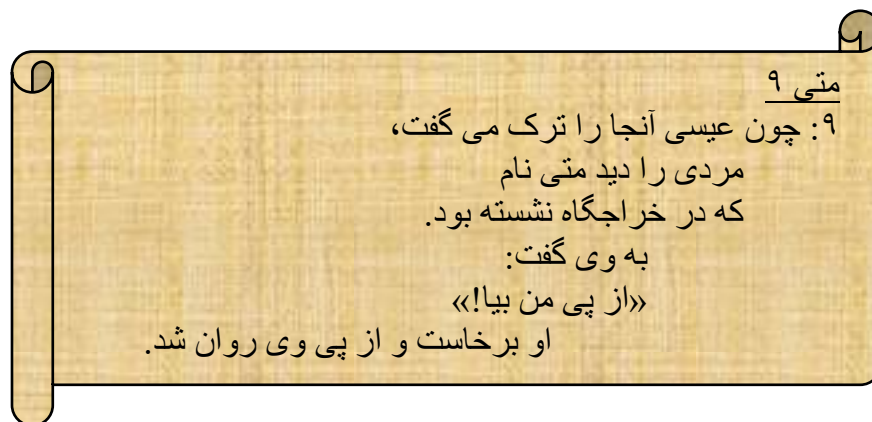
ترسیدند

و خدائی را که این چنین قدرتی به انسان بخشیده است،

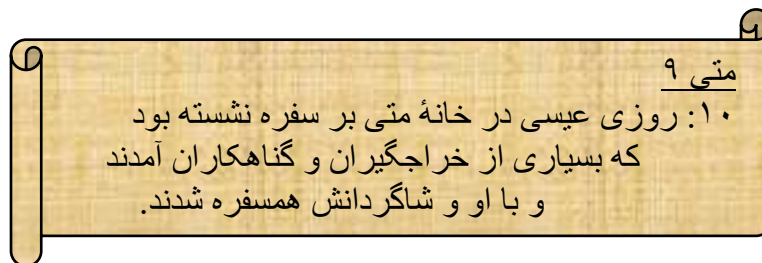
تمجید کردند.

بله عیسی چنین «قدرتی را به انسان بخشیده است». کارش درونی است. خدا از درون، از طریق روح القدس تغییر را در انسان پدید می آورد («این چنین قدرتی»). همه نیز، نوعی شفا هستند. ولی شیطان نیز بر درون وحشت می آفریند، بگونه ای که پطرس در طوفان به عیسی گفت، «ای خداوند، از من دور شو، زیرا مردی گناهکارم» (لوقا ۵: ۸). عیسی مفلوج را نشان داد و با کلامش به او گفت، «برخیز، تشک خود بگیر و به

خانه برو.“ قدرت خداست (تثلیث) که با هم در فرزند کار می کنند، تا او را شفا داده محبت خدا را بی افشانند. اما شیطان نیز از طریق ترس بکار خود ادامه می دهد.



متی نویسنده کتاب، شرح حال ایمان خود را اینگونه معرفی می کند: عیسی صدا زد ”از پی من بیا!“، و ”او برخاست و از پی وی روان شد“؛ همین! جاذبه عیسی را می بینیم، که انسان را جذب خود کرده و نجات را می رساند. اما بسیاری می پرسند، چرا نگفته چه باعث شد که از پی او رود؟! بسیاری نیز راجع به این موضوع مقاله نوشته اند، ولی توجه به منظور از عدم صحبت راجع به موضوع نکرده اند. چون نجات را خدا داد و آنچه متی بیاد دارد این است که او دریافت کرد. می گوید اصل موضوع کاریست که در زندگی نجات یافته انجام می رساند (بقیه مطالب). اگر لازم است بدانیم چگونه او ایمان آورد، کلام خدا (عیسی) را شنید، و جذب آن شد. و همین را نیز در کتاب نوشت. ”از پی من بیا!“ مرا تجربه کن. بگذار کلام من در تو جسم ببوشد؛ ”و از پی وی روان شد“.



اینجا پس از ایمان و پیروی، میوه خدا را می بینیم. نتیجه ایمان و پیروی متی را در سفره ای که پهن کرد و بقیه خراجگیران و آشنایان خود را دعوت کرد، می بینیم، تا آنچه دریافت کرده بود (عیسی) را با ”گناهکاران“ قدیم خود آشنا سازد.

منظور خدا از نجات ما چیست؟ اجرای خواست خدا در زندگی. چه زمانی متوجه خواست خدا می شویم؟ از دیدگاه مشاوران مسیحی (خادمین کلام)، خواست خدا را زمانی می فهمیم که با مسئله یا مشکلی در زندگی روبرو می شویم. در بهشت مسئله یا مشکلی نیست. این مسائل مربوط به زندگی جلال افتاده ایست، که به ارث بردیم و خود (نا خود آگاه) به آن افزودیم. گناهایی می باشند که روح القدس در زندگی فرزند خدا، به رویت آورده (به طریق نوعی مسئله)، و می خواهد با اجرای کلام خدا از میان بر دارد. همان تغییر افکار و رفتاریست که اشعیا ۵۵: ۸ صحبت از آن می کند. حیات نو، باعث راه های تازه خدا در زندگی می گردد.

می گوید، ”روزی عیسی در خانه متی بر سفره نشسته بود.“ ما را به یاد حرفهایش در مکاشفه ۳: ۲۰ می اندازد که گفت، ”هان بر در ایستاده می گویم. کسی اگر صدای مرا بشنود و در به رویم بگشاید، به درون خواهم آمد و با او همسفره خواهم شد و او با من.“ کلمه خوردن در کلام خدا، همان شراکت شخصی در کلام است، که روح القدس اینگونه نمایان می سازد. یعنی عیسی با ما در زندگی ”همسفره“ می شود، و خواست پدر را در زندگی پسرش اجرا می نماید.

متی ۹

۱۱: چون فریسیان این را دیدند،

به شاگردان وی گفتند:

«چرا استاد شما با خراجگیران و گناهکاران غذا می خورد؟»

۱۲: چون عیسی این را شنید، گفت:

«بیمارانند که طبیب نیاز دارند،

نه تندرستان.

۱۳: بروید و مفهوم این کلام را درک کنید که

”رحمت را می پسندم، نه قربانی را.“

زیرا من نیامده ام تا پارسایان

بلکه تا گناهکاران را دعوت کنم.»

به آن معنی که، اگر خود را پارسا می شماری، با تو کار ندارم، ولی گناهکاران همه به من محتاجند. وقتی گناهی در خود می بینی، عیسی با تو کار دارد. ضعف های ما بسیارند، ولی کلام می گوید، ”او خود گناهان ما را بر دار حمل کرد، تا برای گناهان بمیریم و برای پارسائی زیست کنیم، همان که به زخمهایش شفا یافته اید“ (اول پطرس ۲: ۲۴). خدا برای هر وسوسه ای حکمت خود را دارد. کلام است که آن را آشکار کرده (معیار خدا)، و شفا را به ارمغان می آورد. شفا زمانی بوجود می آید که کلام در بدن انسان هضم شده می آورد.

می گوید اگر بجای ظاهر، به باطن می نگرستی، متوجه می شدی که ”زیرا همه گناه کرده اند و از جلال خدا کوتاه می آیند“ (رومیان ۳: ۲۳). مذهب می گوید قربانی کن تا گناهت آمرزیده شود. اما عیسی اشاره به مذهب کرده می گوید، ”شنیده اید“ ؛ ”ولی من می گویم“. بهانه تراشی ها بسیارند، و خدا همه را می داند، و افسوس می خورد. ولی تا زمانی که خود نخواهند، کاری انجام نخواهد شد. گفته که بخواهید و بکوبید تا بجوئید تا به شما داده شود. ولی چون راه خدا، ابتدا جانب توبه و اعتراف را دارد، بدون رضایت شخص امکان پذیر نیست. راه برگشت ممکن است باز باشد، ولی گناه نیز رشد می کند، و اگر زودتر به آن رسیدگی نشود، گناه رشد کرده و مانند غده سرطانی انسان را از پای در می آورد. مرگ از شیطان است نه از خدا. و دائماً در حال صدمه وارد کردن است. چون تحمل مسائل و مشکلات زندگی را دارید، دلیل نمی باشد که صدمه وارد نمی گردد. تحمل را باید به جانب توبه ایماندار آورد، تا برکت آن نیز نسیب بشود. شیطان است که باید از زندگی فرزند خدا بیرون رانده شود. راه شفا، و قدرت دست یابی به آن را خدا داده، حال خواست فرزند است (مصمم و استوار در دعا) که آن را به جریان می اندازد. بخواهید، بکوبید و بجوئید، که به شما داده خواهد شد (متی ۷: ۷).

متی ۹

۱۴: آنگاه شاگردان یحیی نزد عیسی آمدند و گفتند:

«چرا ما و فریسیان روزه می گیریم،

اما شاگردان تو روزه نمی گیرند؟»

۱۵: عیسی پاسخ داد:

«آیا ممکن است میهمانان عروسی

تازمانی که داماد با ایشان است،

سوگواری کنند؟

اما ایامی می آید که داماد از ایشان گرفته شود،

آنگاه روزه خواهند گرفت.

جالب است که عیسی قبلاً به شاگردانش گفته بود که وقتی روزه می گیرید خود را روزه دار نشان ندهید (متی ۶: ۱۶). زمانی که ما در مانده و بی چاره هستیم، روزه می گیریم. به خود فشار می آوریم تا تمرکز بر خواست خدا نمائیم (بعنوان مثال، روزه می گیریم تا وسوسه نشویم یا جلوی احساس خود را بگیریم). در زمان های خاصی، نیاز به چنین کاری پیش می آید. اما باید زیر نظر باشد تا شکست نخورد. روزه هدف مشخصی دارد تا میسر باشد. برای بعضی لازم می گردد و برای بعضی خیر. بستگی به نیاز خودشان دارد. به خود فشار وارد می آورند تا تمرکز بیشتری بر حذفی که دارند بنمایند. با روح القدس یکی می شوند و خود را از چیزی محروم می کنند. در مجموع، امیال را محدود و مطیع اراده خدا می کند و امکان وسوسه ها را کم می نماید. اما در صورتی که در خواست خدا بوده باشد، و برای جلال نام او انجام بگیرد.

بله روزه لازم می گردد، ولی به میزان نیازی که شخص در خود می بیند. هر کس که مجذوب او گردد، "از پی او" راه خواهد رفت، و ممکن است روزه را در راه نیاز داشته باشد. بله دوران عزاداری گذشت. خدا قبلاً نیز گفته بود، "همچنان خواهد بود کلام من که از دهانم صادر می شود؛ بی ثمر نزد من باز نخواهد گشت، بلکه آنچه را خواستم به جا خواهد آورد، و در آنچه آن را به انجامش فرستادم کامران خواهد شد. زیرا شما با شادمانی بیرون خواهید رفت، و به سلامتی هدایت خواهید شد. کوهها و تلهها پیش روی شما بانگ شادی سر خواهند داد، و همه درختان صحرا دستک خواهند زد" (اشعیا ۵۵: ۱۱ و ۱۲). می گوید "شما با شادمانی بیرون خواهید رفت، و به سلامتی هدایت خواهید شد".

متی ۹

۱۶: هیچ کس پارچه نو را به جامه کهنه وصله نمی زند،
زیرا وصله از جامه کهنه می شود
و پارگی بدتر می گردد.
۱۷: و نیز شراب نو را در مشکهای کهنه نمی ریزند،
زیرا مشکها پاره می شوند و شراب می ریزد و مشکها از بین می روند.
شراب نو را در مشکهای نو می ریزند
تا هر دو محفوظ بماند.

”شراب نو را در مشکهای نو می ریزند.“ نتیجه می گیریم که آنچه از قدیم مانده باید اخراج گردد، و مشک (جسم، روح و جان ما) جای خالی داشته باشد، تا شراب نو جایگزین آن گردد. کم کم جای می گیرد تا آنکه پر کند. شراب را لبریز می دهد، ولی هضم نیز باید بگردد و ممکن است نیاز به انجام کاری نیز باشد. ولی آن کسی که مشک را در اختیار گرفته صاحب نظر است، چون کار با اوست. خدا خود پای در میان گذاشته. نجات است که ابتدا باید از طریق ایمان به عیسی صورت بگیرد، و بعد آموزش و برداشت صحیح از شراب نو پرورش یابد. تنها کسی که خود را انکار کرده و عیسی را منجی خود شناخته (مشک نو) می تواند خدا را دریابد. فرق ندارد از چه قوم، فرقه، مذهب و ملتی باشد، خداست که پای بر صحنه زندگی می گذارد و پدر او می گردد. روح القدس ضامن و مجری خواست پدر در زندگی است. از ما خواسته شده که آن را بخواهیم. حیات جاودان، در بهشت برین خدا، و پیروزی بر ظلمت است که به فرزندان خدا عطا شده، و نجات روزانه است که مشک را پر از آن شراب حیات می نماید.

متی ۹

۱۸: در همان حال که عیسی این سخنان را برای آنان بیان می کرد،
یکی از رؤیسان
نزد وی آمد و در برابرش زانو زد و گفت:
«دخترم هم اکنون مرد.
با این حال بیا
و دست خود را بر او بگذار
که زنده خواهد شد.»
۱۹: عیسی برخاست و به اتفاق شاگردان خود با او رفت.

رئیس کنیسه به عیسی ایمان آورده بود. شاید شاهد عینی عیسی بود، یا تنها کلام را دریافت کرده بود معلوم نیست، ولی ببینید با چه اطمینانی از عیسی درخواست می کند. ”دخترم هم اکنون مرد. با این حال بیا ... زنده خواهد شد.“ ایمان را می بینید، که حیات را زنده می گرداند. ”نزد وی آمد و در برابرش زانو زد و

گفت ...". البته بعداً می خوانیم که دختر شفا یافت (۲۵)، ولی اینجا منظور نشان دادن قدرت خداست که بر همه چیز حکم فرماست. باید خدا را آنگونه که خود معرفی کرده بشناسیم. می گوید، "دست خود را بر او بگذار که زنده خواهد شد". خدا نهایت ندارد، و حیات او جاودانیست.

متی ۹

۲۰: در همان هنگام،

زنی که دوازده سال از خونریزی رنج می برد،
از پشت سر عیسی نزدیک شد و لبهٔ ردای او را لمس کرد.
۲۱: او با خود گفته بود،

«اگر حتی به ردایش دست بزنم، شفا خواهم یافت».

۲۲: عیسی برگشته، او را دید و فرمود:

«دخترم، دل قوی دار،

ایمانت تو را شفا داده است.»

از آن ساعت، زن شفا یافت.

خبر از عیسی همه جا پیچیده بود و انبوه جمعیت اطراف او را گرفته بودند. نیاز عظیمی را که جهان به نجات عیسی دارد را مشاهده می کنیم. "او با خود گفته بود، اگر حتی به ردایش دست بزنم، شفا خواهم یافت". امروزه نیز بسیاری نیاز به لمس و شفا دارند، ولی راه دیگری را پیدا نکرده اند. ولی عیسی به این زن می گوید، "ایمانت تو را شفا داده است". یعنی نیاز به دست زدن نداری، آنچه بر درون خود داری (ایمان)، آن تو را شفا داد. در یک لحظه انجام می گیرد ("از آن ساعت، زن شفا یافت")، ولی معمولاً طول می کشد تا خود را نشان دهد. ایمان به وعدهٔ سلامتی خداست، که میوهٔ مطلوب خدا را بار می آورد، و زندگی فرزند خدا را خداگانه می سازد.

البته مشاوران مسیحی، جنبهٔ طبی شفا را نیز، تحت بررسی قرار می دهند. جوانب روحی و جسمی فرزندان خدا، هر دو نیاز به دخالت طبیب و مشاور مسیحی دارند.

ولی نباید فراموش کرد، همه چیز زمانی آغاز شد، که به عیسی ایمان آوردیم. همان ایمان (حال چه کم و چه زیاد)، و همان روح القدس است که کار را انجام می رساند، و حال کار دیگری را دارد. شفای آنی، یا دراز مدت، هر دو نیاز به ایمان به خواست خدا و وعدهٔ پیروزی او دارند. چه شفا یافتیم یا نیافتیم، وعدهٔ خدا همیشه پای برجاست، و با دعا و بردباری، میوهٔ خود را آورده و باز می آورد. آمین.

متی ۹

۲۳: هنگامی که عیسی وارد خانه آن رئیس شد
و نوحه گران و کسانی را دید که شیون می کردند،
۲۴: فرمود:
«بیرون بروید.

دختر نمرده بلکه در خواب است.»
اما آنان به او خندیدند.

۲۵: چون مردم را بیرون کردند،
عیسی داخل شد و دست دختر را گرفت و او برخاست.
۲۶: خبر این واقعه در سرتاسر آن ناحیه پخش شد.

اینجا وارد قسمتی می شویم که بعضی "رستاخیز مردگان" شمرده اند. عقاید مختلفی در خصوص رستاخیز جسمانی و روحانی منتشر شده، ولی همه موافقت می کنند که امکان پذیر هست و معجزه خداست. مانند معجزات دیگری که ما شاهد آن بوده ایم. حیات جاودان، خود را در زندگی فرزند خدا نشان می دهد. روح القدس کارش پرورش حیات خداست. آنچه مرگبار است را از میان می برد و خواست خدا را جایگزین می نماید. افسسیان ۴: ۲۲ - ۲۴ صحبت از "از تن به در آورید" و "انسان جدید را در بر کنید، که آفریده شده است تا در پارسائی و قدوسیت حقیقی، شبیه خدا باشد".
عیسی مرگ را با جان خود خرید. جان بجای جان. قیمت پرداخت شد. بهشت بر جهنم پیروز شد و فرزند خدا پای بر ملکوت خدا گذاشت. حال، آغاز حکمت آنست "تا در پارسائی و قدوسیت حقیقی، شبیه خدا باشد".

متی ۹

۲۷: هنگامی که عیسی آن مکان را ترک می کرد،
دو مرد نابینا در پی او شتافته، فریاد می زدند:
«ای پسر داوود، بر ما رحم کن!»

۲۸: چون به خانه در آمد،

آن دو مرد نزدش آمدند.

عیسی از آنها پرسید:

«آیا ایمان دارید که می توانم این کار را انجام دهم؟»

پاسخ دادند:

«بله، سرور!»

۲۹: سپس عیسی چشمانشان را لمس کرد و گفت:

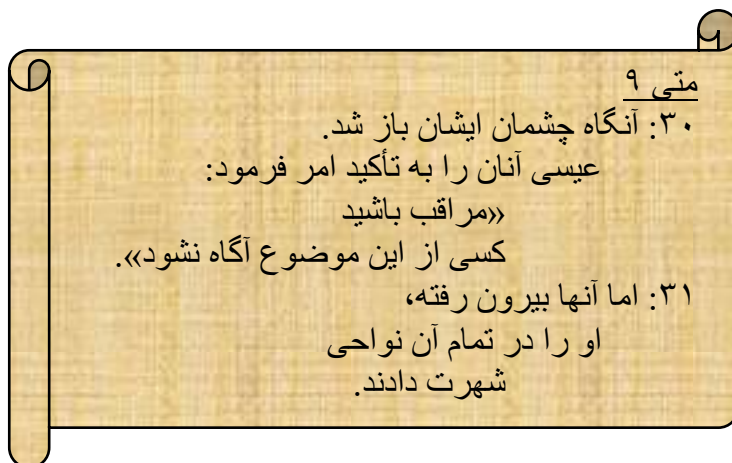
«بنا بر ایمانتان برایتان انجام شود.»

عجیب است که این دو مرد "در پی او شتافته" بودند ولی ایمان نیاورده بودند. عیس پرسید، "آیا ایمان دارید که می توانم این کار را انجام دهم؟". چرا می پرسد؟ چون ایمان به خداست که خواست خدا را انجام می

رساند، نه چیز دیگری. البته خواست خدا سلامتی انسان را شمل می باشد، ولی برای خواست خدا، که خود اینگونه آن را شرح داده است: ”افکار من افکار شما نیست، و نه راههای من، راههای شما. زیرا چنانکه آسمان از زمین بلندتر است، راههای من نیز از راههای شما و افکار من از افکار شما بلندتر است. (اشعیا ۵۵: ۸ - ۹). چون خود اعتراف به دیدن حقیقت کرده بودند، عیسی فرمود، ”بنا بر ایمانتان برایتان انجام شود“. آنچه را که بارها بر آن تاکید می کرد را باز به زبان آورد. اراده خدا در سلامتی جسم و روح و جان است، و ایمان محرک آن، ولی بسیاری دریافت می کنند و سپس مانند آن خادم که ”یک قنطار گرفته بود، رفت و زمین را کند و پول ارباب خود را پنهان کرد“ (متی ۲۵: ۱۸).

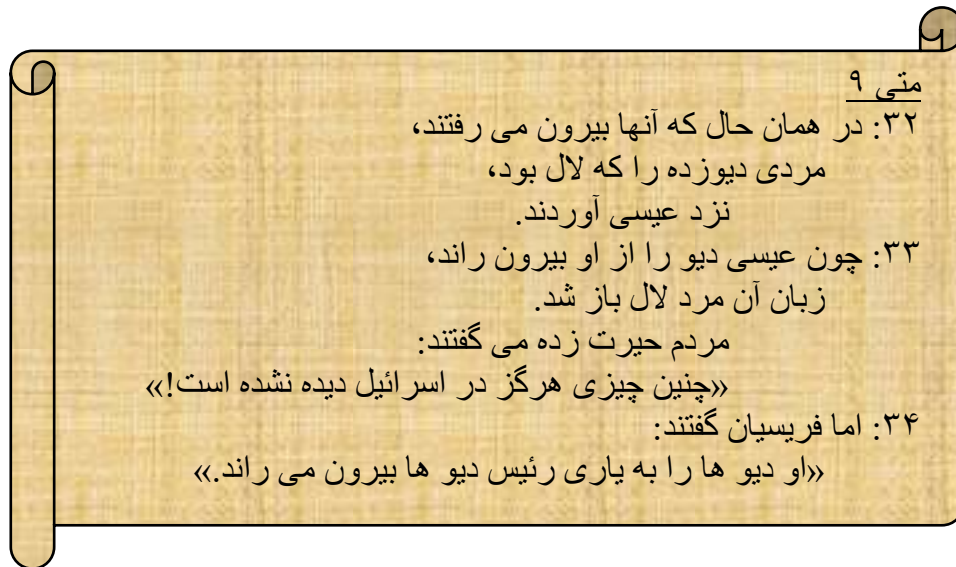
آیا ارزش جان عیسی همین است! عیسی قبلاً گفته بود که ”شما نمک جهانید، اما اگر نمک خاصیتش را از دست بدهد، چگونه می توان آن را باز نمکین ساخت؟ دیگر به کاری نمی آید جز آنکه بیرون ریخته شود و پامال مردم گردد“ (متی ۵: ۱۳). روح خدا را خفه نکنید (اول تسالونیکیان ۵: ۱۹ - ۲۰)، چون خواصیت خود را از دست می دهد. زندگی خداگانه، جریانی را در زندگی فرزند خدا به راه می اندازد که شامل پاکسازی او نیز هست، بگونه ای که خدا برای او منظور داشته. در افسسیان ۲: ۱۰ می خوانیم، ”زیرا ساخته دست خدائیم، و در مسیح عیسی افریده شده ایم تا کارهای نیک انجام دهیم، کارهایی که خدا از پیش مهیا کرد تا در آنها گام برداریم“. ما را نجات داد تا بتوانیم در کارهایی که از پیش مهیا کرده بود قدم برداریم. یعنی برای آنچه ساخته شده ایم مشغول شویم. برای آنچه خوانده شده ایم فعالیت کنیم، و میوه ای را که خدا می خواهد در زندگی بار آوریم. ولی نه برای خود (شیطان صفتی)، بلکه برای آنکه بر درون خودمان ساکن است. البته برکات آنکه بر درون داریم به ما نیز می رسد، ولی عیسی می گوید، ”اما نه به خواست من، بلکه به اراده تو“ (متی ۲۶: ۳۹).

عیسی از این دو پرسید، ”آیا ایمان دارید که می توانم این کار را انجام دهم؟“. ایشان گفتند بله. حال که چشمان این دو باز شد، فکر می کنید چکار می کنند؟ البته مانند دیگران، به همه خواهند گفت. نه آنکه قایم کرده غلام خود بشمارند. آنکه ”دریافت“ کرده، جریان حیاتی را در زندگی دریافت کرده که روزانه شامل خواست خداست. در برداشت خدا و ابراز اراده اوست. آب حیات است، که جریان دارد، و نباید گذاشت چیزی جلوی آن را بگیرد.



عیسی بر طبق نقشه پیش می رفت. می دانست آنچه می کند نیاز به زمان لازم خود (خدا) دارد، تا میوه خود (خدا) را بار آورد. میوه عیسی ملکوت خداست (ایمانداران، تکی و جمعی)، و وقت کامل خود را دارد. وقت کامل نیز در دست خداست، و ما در نتیجه چنین می آموزیم، که نگذاریم چیزی جلوی کار خدا را بگیرد. هر چه (وقت، تحمل، ”بردباری“) صرف آن بشود، ارزش آن را دارد. وقتی خدا زمان را در اختیار خود می

گیرد، کارش (شفا یا هر چه دیگر) انجام نیز می‌گردد. وقتی ایمان را بکار می‌بریم (یعنی در کاری که مربوط به خداست قدم بر می‌داریم)، خدا در وقت خود برکت را می‌رساند و میوه خود را می‌آورد. کیست که بتواند چنین برکتی را پنهان بدارد، («او را در تمام آن نواحی شهرت دادند»).



بنگرید به وضع فلاکت باری که شیطان بر پا نموده. آیا می‌توان گفت «این همین است که هست، چه می‌شود کرد!» خیر. عیسی خود پای بر میدان گذاشته، تا هر شری که شیطان بر پا نموده را از میان ببرد. ما که ایمان به او آورده ایم نیز، می‌توانیم همان کاری که او کرد را با حمایت روح القدس انجام دهیم. انواع شفا ها را می‌بینیم، که حکایت از وسعت بی‌نهایت شفای خداست. اگر بخواهیم («نزد عیسی»)، داده خواهد شد، و بموقع خود دریافت خواهیم کرد تا به خدمت خدا بگذاریم. خدا شفا را می‌دهد تا خواست خود را در زندگی فرزندانش ادامه دهد. عیسی را «نه به سبب نانی که خوردیم» (یوحنا ۶: ۲۶) جویا شویم، بلکه تمام عمر خود را در اختیار او قرار بدهیم. آنچه شیطان ربوده باید احیا گردد تا پدر در زندگی فرزندان جلال یابد.

اما دنیای از جلال افتاده، شک داشت و کسانی که کیسه دغلشان خالی شده بود، او را «دیورده» می‌شمردند تا جلوی نفوذ او را بگیرند. شیطان شک را پرورش می‌دهد. ضعف را بخاطر می‌آورد و راه خدا را رویایی برای خود می‌گمارد. بر فرزندان خدا نیز اینگونه عمل می‌کند. اشکال را می‌بینند، می‌دانند جواب را خدا دارد، ولی روی گردان می‌شوند، چون دلیلی غیر از خواست خدا اولویت پیدا کرده. به همین دلیل است که کلام هشدار می‌دهد: «آتش روح را خاموش مکنید» (اول تسالونیکیان ۵: ۱۹).

متی ۹

۳۵: عیسی در همه شهرها و روستاها گشته،
در کنیسه های آنها تعلیم می داد
و پادشاهی را اعلام می کرد
و هر درد و بیماری را شفا می بخشید.
۳۶: و چون انبوه جماعتها را دید،
دلش بر حال آنان سوخت.
زیرا همچون گوسفندانی بی شبان،
پریشانحال و درمانده بودند.
۳۷: پس به شاگردانش گفت:
«محصول فراوان است،
اما کارگر اندک.
۳۸: پس،
از مالک محصول بخواهید کارگران
برای درو محصول خود بفرستند.»

عیسی همه جا "تعلیم می داد، پادشاهی را اعلام می کرد، و هر درد و بیماری را شفا می بخشید". تعلیم آنکه شفا از خداست، و محصول پادشاهی اوست. او پای بر جهان نموده و نجات را می دهد و بخواست خود، پرورش می دهد. اما در میان انبوه شهرستانها و استانها، خادمین کمند یا نیستند. حال زمان حرکت رسیده. زمینه شاگرد سازی برای فارسی زبانان فراهم شده، و بسیاری می توانند در مدت کوتاه، زمینه خدمت خود را بدست آورند. بله "محصول فراوان است"، خصوصاً در رابطه با مسائل و مشکلات زندگی. تعلیم، توبه، و شفا، جریان خدمت مشاور مسیحی است. کلام خداست که مسئله را نشان می دهد، و حل آن را نیز انجام می رساند. اما شاگردان آموزش دیده را لازم دارد تا آنچه از خدا نیست را به همسایگان ارزانی بدارند. پدر، دعا می کنم خادمین بیشتری را در خدمت مشاوره مسیحی پرورش دهی. همچنین آنانی که در حال آموزش می باشند در آغوش خود حفظ کن، و مرا نیز جان ببخش که در این راه به خدمت ادامه دهم. آمین.